

درباره کتاب

جغرافیا یکی از قدیم‌ترین دانش‌های بشری است که در طی تاریخ همواره بر وجوه مختلف زندگی انسانها سایه افکنده است و به‌طور مستمر تأثیر خود را بر کلیه فعالیتهای انسانی گذاشته و این تأثیر و تأثر انسان و محیط اطرافش بوده که تمدن‌ها را پایه‌گذاری یا محو کرده است.

در بین رشته‌های گوناگون جغرافیا، جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) بیش از دیگر شاخه‌های آن در روابط بین انسانها و حکومتها و نقشی که در روابط بین‌الملل و آینده سیاسی کشورها داشته تأثیر گذاشته است. به عبارت دیگر پی بردن به اصول و مفاهیم این شاخه از جغرافیا ممکن است پاسخگوی سؤالاتی باشد که جواب به این سؤالات در واقع موجب تسهیل روابط بین دولتها و قدرتها و جوامع بشری خواهد شد. آگاهی از نقش مکان و موقعیت، این امکان را به مسئولان سیاسی خواهد داد که چگونه فکر کنند، چه کاری انجام دهند و چگونه آن کار را به انجام برسانند. یک استراتژیست وقتی به طرح‌ریزی استراتژیک در موضوعات مختلف می‌پردازد باید قبل از هر چیز بستر ژئوپلیتیکی یا صحنه عمل آن استراتژی را مورد توجه قرار دهد. آگاهی نداشتن از مفاهیم و مباحث جغرافیای سیاسی هیچ‌گاه یک استراتژیست را در رسیدن به اهداف کمک نمی‌کند و چه بسا موجب خلأهای استراتژیک نیز بشود که اسف‌انگیز خواهد بود. امروزه جغرافی‌دانان سیاسی همان اندازه که در بروز جنگها و بحرانها نقش دارند در برقراری صلح و ثبات و امنیت پایدار نیز در مقیاسی وسیع مؤثرند. بی‌دلیل نیست که یکی از استراتژیستهای معاصر به نام «کالینزگری» در کتابها و مقالات ارزشمند خویش به این نکته اذعان دارد که «اساس و بنیاد همه استراتژیها بر عوامل جغرافیایی مبتنی است». امروزه جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) معنایی متفاوت

با ادوار گذشته دارد. زیرا امروزه اگر بخواهیم تحولات جهانی را تجزیه و تحلیل کنیم باید اجزاء سه گانه‌ای را بررسی نماییم که عبارت‌اند از: بازیگران، فرمول بازی و صحنه بازی که در این رابطه صحنه بازی همان بستر ژئوپلیتیکی است که ما باید از آن آگاهی کامل داشته باشیم. نگاهی به بحرانهایی که جهان ما را تهدید می‌کند از جمله تروریسم، مواد مخدر، بیکاری، نبود فضاهای باز سیاسی و دیگر پدیده‌ها همگی ریشه در عدم درک مباحث و مفاهیم جغرافیای سیاسی دست‌اندرکاران سیاسی این کشورها دارد. توجه و درک این مفاهیم می‌تواند کلید حل این مشکلات باشد. کتاب حاضر با عنوان شناخت و درک مفاهیم جغرافیای سیاسی توسط دکتر سیدحامد رضیئی ترجمه شده است و ایشان با مهارت و نازک‌بینی که در فن ترجمه کتب دارند به بهترین شکل ممکن کلیه اصول ترجمه مرتبط با مفاهیم تخصصی جغرافیای سیاسی را مراعات کرده‌اند و جای بسیار خوشوقتی است که انتشار چنین کتابی به دانشجویان جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل و علوم سیاسی این امکان را می‌دهد که از آخرین پدیده‌های علمی این رشته از دانش جغرافیا آگاهی یابند. امید است این دوست دانشمند در آینده نیز با ترجمه و انتشار کتابهایی در این زمینه‌ها در هر چه بارورتر کردن اطلاعات دانشجویان و دانش‌پژوهان مسائل سیاسی و ژئوپلیتیک موفق و مؤید باشند.

دکتر عزت‌الله عزتی

اردیبهشت ۱۳۸۶

مقدمه مترجم

کتاب حاضر ترجمه *Comprendre la géopolitique* اثر خانم سوفی شوتار استاد تاریخ، جغرافیا و ژئوپلیتیک مؤسسات آموزش عالی پاریس است که در سال ۲۰۰۶ انتشارات استادی راما (STUDYRAMA) در فرانسه در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. ژئوپلیتیک در معنای جغرافیای سیاسی به کار رفته است.

جهان امروز در چه موقعیتی قرار گرفته است؟ چه گرایشهایی وجود دارد؟ در آینده چه زمینه‌هایی برای رقابت به وجود خواهد آمد؟

جغرافیای سیاسی با بررسی و تجزیه و تحلیل روابطی که بین انسان و فضا وجود دارد می‌کوشد برای پرسشهای منطقی فوق پاسخهایی ارائه دهد. منابع غذایی، منابع انرژی و آبی، زبانها، مهاجرتها، دولتها و حتی ادیان زمینه‌های اصلی مطالعات جغرافیایی است. درک مفاهیم کلی جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک) راه را برای کسانی که علاقه‌مند به شناخت جهان و چالشهای موجود آن هستند، هموار می‌کند.

مؤلف در فصل اول این کتاب به تعریف ژئوپلیتیک و عناصر بنیادین آن پرداخته است. در فصل دوم مسائل جغرافیای طبیعی از قبیل آب‌وهوا، فضاها، کره زمین و بلاهای طبیعی بررسی شده؛ در فصل سوم تولیدات کشاورزی، منابع انرژی و آب مطرح گردیده و فصل چهارم به جمعیت، بهداشت، شرایط زندگی و مهاجرت اختصاص یافته است. خانم شوتار در فصل پنجم تمدن، زبان و ادیان را بررسی کرده و در فصل ششم دولتها و مشکلات موجود دریاها و حقوق مربوط به آن را مورد دقت قرار داده است. در فصل هفتم امپریالیسم، گرایشهای سلطه‌گری، مشکلات ناشی از پانیسم و اشکال جدید امپریالیستی بررسی شده و در فصل هشتم مسائل امنیتی از قبیل جنگ ادیان، تهدیدهای تروریستی و خطرهای ناشی از تروریسم و

گسترش تسلیحات کشتار جمعی مورد توجه قرار گرفته است. هدف اصلی این اثر یافتن راه‌حل همه مشکلات مطرح شده در کتاب و مسائل فوق نیست، بلکه این کتاب زمینه فکری و ذهنی خواننده را گسترش می‌دهد تا او بتواند زمان حال را درک کند و آینده‌نگر باشد. در این اثر سعی شده است با تلفیق برداشتهای جغرافیایی، تاریخی و سیاسی، خواننده در جریان مسائل جاری قرن حاضر قرار گیرد.

اثر فوق می‌تواند برای دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی، جغرافیای سیاسی و تمام کسانی که به مسائل جهان علاقه‌مندند ثمربخش باشد و به‌خصوص برای آنهایی که می‌کوشند به معانی اصلی پیامها و اطلاعاتی که در جهان امروز در حال تزاید است، دسترسی یابند.

در خاتمه از دانشمند بزرگوار آقای مهدی هاشمی که با دقت تمام، نسخه اولیه ترجمه را مطالعه و راهنمایی کردند و از استاد بزرگوار دکتر عزت‌الله عزتی استاد جغرافیا و ژئوپلیتیک دانشگاههای تهران که با وجود همه گرفتاریها مطالعه دقیق کتاب را تقبل و راهنمایی فرمودند و مقدمه‌ای بر کتاب به رشته تحریر درآوردند، سپاسگزاری می‌نمایم. مسئولان گروه جغرافیای سازمان «سمت» سهم بزرگی در انتشار و معرفی این کتاب داشتند که مراتب حق شناسی خود را ابراز می‌دارم.

سیدحامد رضیثی

مقدمه مؤلف

«اشیاء تحرک خاصی ندارند، بلکه تحرک و درک

آنها به دریافت انسانها بستگی دارد» (هگل).

در عصری که جهان در اغتشاش و بی‌نظمی کامل به‌سر می‌برد و گرایشهای ملی‌گرایی و بازیابی هویت اصلی سرزمینها در حال تزايد بوده و مسئله جهانی شدن مطرح است، ژئوپلیتیک بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل ژئوپلیتیک آسان به نظر نمی‌رسد و به همین دلیل با بهره‌گیری از جغرافیا سعی می‌کنند مشکلات و چالشهای موجود روابط بین‌الملل را از بین ببرند، به‌خصوص روابطی را که بعد از دوقطبی شدن جهان بین شوروی و ایالات متحده امریکا تا سال ۱۹۸۹ و بعد از آن بیشتر به چشم می‌خورد.

ژئوپلیتیک علم نیست، بلکه مجموعه‌ای از مقررات و دستورات حاوی روابط بین‌الملل بین فضا و سیاست و در واقع بین فضا و فرد است. ژئوپلیتیک که در زمان سلطه نازیها در بحبوحه جنگ جهانی دوم ابزار سیطره قدرت بود، بعد از آن به‌دست فراموشی سپرده شد و دوباره طی دهه‌های اخیر با بازنگری در درک و مفهوم واقعی آن پا به عرصه گذاشت. هر قوم و ملت و تمدنی قبل از اینکه به فکر شناخت همسایه، کشور خارجی و اقوام دیگر با فرهنگهای متفاوت باشد، باید به شناخت خود پردازد. چنین فهم و ادراکی بر شناخت کامل رقابتهایی استوار است که با کنترل سرزمینها با سازوبرگهای قدرت از قبیل تملک منابع و ذخایر، تنگه‌ها و اراده سیطره‌طلبی قومی بر قوم دیگر در ارتباط است.

با چنین برداشتی موارد ذیل مورد توجه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد:

- در مرحله اول به بررسی جغرافیایی سرزمین مورد نظر می‌پردازد، به صورتی که

در نقشه معرفی شده است. این برداشت کاملاً به نقاط قدرت و ضعف سرزمین مورد نظر با توجه به بررسی مکانی که در آن قرار گرفته است، بستگی دارد. ممکن است سرزمین مورد نظر در منطقه زلزله‌خیز یا غیر از آن قرار گرفته، دسترسی به راه‌های آبی و دریا‌های آزاد داشته و یا محاط در آب‌ها و یا خشکی باشد. در اینجا می‌توان از ذخایر و معادن سرزمین مورد نظر صحبت کرد که ممکن است مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفته یا نگرفته باشد. مسئله دیگری که ممکن است مورد توجه قرار گیرد رشد جمعیت این سرزمین است که نیازهای اجتماعی دیگری از قبیل آب، بهداشت، انرژی و غیره را در پی دارد.

- جمعیت نقش اساسی دارد و باید مورد توجه قرار گیرد. جمعیت، اداره آن و مسائل جنبی از قبیل بهداشت، شرایط زندگی و شهرسازی در تحول یک کشور یا حتی یک قاره تأثیر می‌گذارد.

- رفتار جمعیتها اهمیت خاصی دارد و برای درک دیگران باید متوجه چگونگی گفتگو، دلیل، برهان و رفتار آنها شد و به ارزش، عکس‌العمل و اظهارنظر آنها در طول زمان پی برد. بررسی عناصر خاص فرهنگی یعنی زبان و مذهب در محدوده گسترش تمدن ناشی از رفتار جمعیتهاست.

جمعیتها به دنبال اصول دولتها مرزهای محدودی در عصر جدید دارند. رژیمهای سیاسی همچون دموکراسی و رژیم دولت - ملت نمونه‌ای برای دیگر دولتهاست. تفاوت‌های زیادی بین خصوصیات ملل و دولتها از دیدگاه نوع حکومت وجود دارد. در اینجا باید یادآوری کرد که تفاوت بین دولتها در قرن بیستم به گرایشهای فرانسویونالیستی منجر شد که نتایج تأسف‌باری به دنبال داشت. احساسات ناسیونالیستی بعد از سال ۱۹۹۰ و فروپاشی شوروی و کشورهای اقماری آن، دوباره متجلی شد و به دنبال آن درگیریها و جنگهای جدیدی در قاره افریقا، آسیا و حتی در درون قاره اروپا به وجود آمد. حس جاه‌طلبی و سلطه‌طلبی انسان موجب گرایش وی به سوی کشف سرزمینهای جدید در گذشته شد که در عصر حاضر به سوی فضا‌های فرا جوی کره زمین گرایش یافته است. دسترسی به رایانه و شبکه‌های اینترنتی یکی دیگر از گرایشهای انسان به سوی کشف نوآوریهای جدید است.

با بررسی پیشینه تاریخی می‌توان منطق سلطه‌طلبی انسان را بررسی کرد و متوجه شد که چگونه اقوام مختلف توانسته‌اند با هجوم به ملل و اقوام همسایه بر وسعت سرزمین خود بیفزایند و امپراتوریهای بزرگی را به وجود آورند. نگاهی به رسانه‌ها و بررسی دقیق آن، منطق جهان‌گرایی انسان را آشکار و معلوم می‌کند که چگونه انسانها در مناطق استراتژیک کره زمین که متعلق به آنها نیست دخالت می‌کنند. با چنین بررسی‌ای به گرایشهای استیلا و برتری جهانی برمی‌خوریم که با مطالعه ژئوپلیتیک ایالات متحده امریکا این موضوع به خوبی نمایان می‌شود. استیلا قومی رابطه نزدیکی با خواست جوامع سنتی دارد و به دنبال آن درگیریهای هویتی با تکیه بر تروریسم گسترش می‌یابد.

تهدید دیگری که بعد از پایان جنگ سرد به وجود آمده غنی‌سازی اورانیوم و دسترسی به تسلیحات کشتار جمعی است. بشر با دسترسی به این تسلیحات می‌تواند قلمرو خود را توسعه دهد و مرزهای سنتی گذشته را که پناهگاهی برای ساکنان آن بود، از بین ببرد ...

سؤالاتی که در حال حاضر برای ساکنان کره زمین مطرح است درک حوادث جاری و تهدیدهایی است که عامل مکان، زمان چگونگی و چرایی آن نامفهوم است و همیشه سؤالات بعدی مطرح است: چه کسی؟ کجا؟ در چه زمانی؟ چگونه؟ برای چه؟ ژئوپلیتیک در عصر رسانه‌ها، اینترنت و فناوریهای جدید اطلاعات و ارتباطات سعی می‌کند متوجه این نوع پرسشها شده و به جای کسب راه‌حل زمینه‌های تفاهم را فراهم آورد.

چه گسستگیهایی در جهان امروز به چشم می‌خورد؟ چه منافی نقش می‌بندد؟ چه نوع رقابتی را باید در آینده نزدیک جستجو کنیم؟ آیا اطلاعات بر تفکرات و زندگی انسان تأثیر می‌گذارد؟ بشر قرن بیست و یکم با چنین سؤالاتی روبه‌روست و به دنبال آن در بین اقوام مختلف احترام متقابل به وجود خواهد آمد و راه را برای صلح دائم هموار خواهد کرد. اقوام ناشناخته زمانی می‌توانند برای دیگران تهدید باشند که به‌طور آشکارا عکس‌العمل نشان دهند.